

آشنایی با میزان
سهم الارث زنان
براساس قانون



کنیز شماست!



تأمل در اسناد و مکاتبات
قدیمی حکایت از آن دارد
در اغلب نواحی ایران کنیز
وجود داشته ...

شهربانو

۲۰
۵۵
۹۹
نه بانوان مشاهد
۲ ذی الحجه ۱۴۴۱
روزنامه شهرآرا



رفتار فرزندان آئینه تمام‌نمای والدین است

همه ما هر قدر بزرگ تر و واقع بین تر شدیم، بیش از قبل به این حقیقت پی بردیم که در همه اجزای شخصیت، عواطف و احساسات و رفتارمان همان پدر و مادرمان هستیم، حتی در ارائه آنچه در آن‌ها نمی‌پسندیدیم، در مراحل روانی رشد، تجربه‌های عاطفی و...

تغییر زندگی بایک کوله‌پشتی چوب

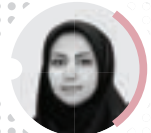
گفت‌وگو با فاطمه جمیلی، کارآفرین برتر کشور که با تجاری‌سازی محصولش می‌خواهد از نابودی جنگل‌ها جلوگیری کند

۲

۱۶

طیحه‌الاسکان (روزنامه شهرآرا)

عکس: محمد به‌عقور/بان‌شهرآرا



تکنم جاوید

تربیتی‌ان‌دیش‌دانش‌س

(فروغ)

خانه‌داری و خروج از روزمرگی

کلافگی، خستگی، بی‌حوصلگی و خیلی کلمات دیگر هم قادر به وصف حال این روزهایش نیست. از کار یکنواخت و تمام‌نشدنی خانه، سر و کله زدن با بچه‌ها و سرگرم کردن آن‌ها، در خانه ماندن و دور بودن از دیگران بیزار شده است. هر روز تلفن را برمی‌دارد و با خواهرش ساعت‌ها حرف می‌زند. حرف‌زدن که نه، بیشتر گله و شکایت می‌کند. خودش را می‌کوبند افسردگی گرفته‌اند از این خانه ماندن مداوم، ولی راه چاره‌ای هم ندارند. اوقات زنان خانه‌دار این روزها سخت‌تر از قبل می‌گذرد. اگر چه شیوع کرونا اوضاع زندگی همه مردم شهر، کشور و دنیا را به‌شدت به هم ریخته است، این محدودیت اجباری حال روحی زنان و مادرانی را که باید بنشینند و اوقاتشان را در چهار دیواری خانه سپری کنند دگرگون‌تر کرده است. از سویی، با شوهرانی روبه‌رو هستیم که اوضاع اقتصادی شرایط کاری‌شان را بدتر، و آنان را به‌شدت درگیر مسائل مالی کرده است و ذهن آرامی ندارند. از سوی دیگر با زنانی روبه‌رو شده‌ایم که از مسئولیت‌های خانه و زندگی خسته‌اند. انجام امور مداوم و تکراری به‌شدت بر روحیه افراد تأثیر می‌گذارد و انگیزه و شور زندگی را از بین می‌برد به طوری که خانم خانه‌دار به‌طور ناخواسته رتق و فتق امور بچه‌ها یا پختن غذا را هم به‌اجبار انجام می‌دهد. این یعنی ملال. ملال یک وضعیت دامن‌گیر و وسیع است. با افسردگی تفاوت دارد زیرا همه دچار افسردگی نمی‌شوند و اگر هم شدند با رفتن به مشاور درمان خواهند شد. خستگی جسمی هم نیست که با خوابیدن و استراحت کردن برطرف شود. ملال



کسب و کارهای زنانه در اینستاگرام

در یادداشت‌های گذشته از کسب و کارهای زنانه در اینستاگرام گفتیم. زنان زیادی از این بستر برای راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و شخصی خود که معمولاً هم جنبه هنری دارد استفاده می‌کنند. صفحات زنانی که در اینستاگرام به کسب و کار می‌پردازند چند دسته است. در این یادداشت به آن می‌پردازیم.

دسته اول صفحاتی است که زنان در آن‌ها کسب و کاری واقعی دارند به این معنا که محصولی را اعم از محصولات هنری، پوشاک، طراحی دکوراسیون و غیره تولید می‌کنند و از طریق این صفحات، آن‌ها را به فروش می‌رسانند. با توجه به میزان جذابیت صفحه، این صفحات بین ۵۰ تا ۵ هزار دنبال‌کننده دارند. خاص و منحصر به فرد بودن نوع محصولی که تولید می‌شود به استقبال از صفحات بسیار کمک می‌کند. این کسب و کار همان شکل کلاسیک کسب و کار مغازه‌ای است با این تفاوت که اجناس به صورت مجازی، در بستر شبکه اجتماعی به فروش می‌رسد. این شیوه درآمدزایی یکی از شریف‌ترین و سالم‌ترین شیوه‌های کسب و کار است، واقعی. دسته دوم صفحات درآمدزای زنانه در اینستاگرام صفحاتی است که محصول خاصی در آن‌ها تولید و به فروش نمی‌رسد، بلکه صفحه به زندگی روزمره صاحبش اختصاص دارد. این صفحات معمولاً صفحات شخصی زنانی است که از دغدغه‌ها و مسائل روزانه‌شان می‌نویسند اما به علت سبک جذاب در روایت زندگی، دنبال‌کنندگان بسیاری دارند. آن‌ها از سفرها، مهمانی‌ها، کارهای روزمره، ارتباطات خود با همسر، فرزندان و دوستانشان می‌نویسند و از این طریق، مخاطبان زیادی را با خود همراه می‌کنند. این اشخاص با گرفتن تبلیغات، درآمد‌های کلانی به دست می‌آورند. ادا صفحات

آن‌ها مملو از تبلیغات اجناس مختلف است که لایه‌لای یادداشت‌های زندگی روزمره‌شان، آن‌ها را نیز به مخاطبان معرفی می‌کند. کسب و کار این گروه نوعی واسطه‌گری مجازی و تبلیغات است. اینستاگرام این روزها به بستر برای مشاغل واسطه‌گر تبدیل شده است. این مشاغل پیش از آنکه مبتنی بر تولید و عرضه محصول باشند، مبتنی بر روش‌های اقناع مخاطب برای خرید بیشترند. این صفحات نیازهای تازه‌ای در ما ایجاد، و به خرید فراوان‌تر ترغیب می‌کنند. وقتی یک خانم اینستاگرامی که فالوئرهای بسیاری دارد و محبوب است با آب و تاب از فلان برند لوازم آرایش سخن می‌گوید یا در دکوراسیون لوکس منزلش از بهمان لوازم آشپزخانه نام می‌برد، میل به خرید و داشتن محصولات تازه در مخاطب ایجاد می‌شود. لذا این صفحات علاوه بر اینکه بر شیوه‌های درآمدزایی بدون زحمت یا کم زحمت و بدون تولید تأکید می‌کنند، آسیب دیگری نیز دارند. آن‌هم رواج بی‌امان فرهنگ مصرف‌گرایی است. سود و منفعت مشاغل واسطه‌گر در خرید بیشتر است. آن‌ها از روش‌های مختلفی مانند ایجاد صمیمیت، ارائه توضیحات و مستندات، بیان تجربیات شخصی خود درباره محصول و غیره استفاده می‌کنند تا مخاطب را قانع کنند به چیزهای بیشتری نیاز دارد و باید لباس‌های تازه، لوازم جدید و غیره داشته باشیم تا خوشحال،

محدثه جزایی

دبیر شاخه علوم سیاسی خراسان

(آفاق)



نهادهای خیریه و توزیع توانمندی زنان

از دیرباز یاری‌رساندن به هموع و کمک به مستمندان از مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی بوده است. در حالی که وظیفه اداره جامعه امروز بر عهده دولت‌ها قرار دارد، حمایت از شهروندان و فراهم کردن زمینه‌های اشتغال برای کسب درآمد نیز در زمره اختیارات حکومت‌هاست. نهادهای خیریه و مراکز توان‌بخشی با توجه به چنین مسائلی تأسیس شدند. با اینکه بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، توان‌بخشی و ... بخش عمده‌ای از نیازهای جامعه را پوشش می‌داد، باز هم تعدادی از افراد جامعه که به‌دلیل خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از درآمد کمتری برخوردار بودند برای رفع برخی نیازهای خود، به جای حکومت، به نهادهای اجتماعی چشم دوختند. مؤسسه‌های خیریه‌رانی می‌توان نهادهایی دانست که از ۲ سو با امر زنانه در ارتباط هستند. از یک سو بخش غالب کسانی را که نیازمند این‌ها هستند، و از سوی دیگر، بنیان‌گذاران و اعضای فعال نهادهای خیریه اغلب زنان هستند و توزیع کالا، خدمات و منابع مالی نیز بر عهده آن‌ها قرار دارد. به نظر می‌رسد این امر بیش از هر چیز، متأثر از خواست زنان برای حضور در نهادهای اجتماعی باشد که مطلوبیت بیشتری برای آن‌ها دارد. این مطلوبیت حضور در نهادهای خیریه از نحوه عملکرد آن‌ها برای توانمندسازی زنان و به مسئله مهمی تبدیل می‌کند. به طور سنتی، کار ویژه اساسی نهادهای خیریه توزیع مواد غذایی و امکانات موجود میان اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند است اما از آنجا

که منابع نهادهای اجتماعی و خیریه‌ای اندک و نیاز انسان‌ها نامحدود است، اینک با توجه به اهمیت تولید در کمک به اقتصاد کشور، بهتر است نهادهای خیریه توانمندسازی زنان را در دستور کار خود قرار دهند. در حقیقت، به جای بخشیدن «ماهی» زمینه‌ها و شرایط لازم برای آموزش «ماهیگیری» را برای مراجعان خود فراهم کنند. این مسئله ممکن است ابتدا دشواری‌هایی به همراه داشته باشد زیرا جامعه‌ای که گرفتن مستقیم منابع مالی را تجربه کرده باشد، به دشواری می‌تواند سرمایه‌گذاری برای تولید و ایجاد یک منبع درآمدی ثابت که مبتنی بر توانایی متقاضیان باشد، هم‌نیاز اقتصادی کشور را برطرف می‌کند. اما انتظار دارد، چنانچه نهادهای اجتماعی بسترهای اشتغال را به‌عنوان یک مقوله مهم و اساسی را از نهادهای دولتی و حکومتی و نظامی که به مهارت‌های چندانی نیاز ندارند، مسئله‌ای است که نه تنها نمی‌تواند شغلی پایدار به شمار رود، بلکه با ایجاد آسیب‌های جسمی و روحی برای این زنان و خانواده‌های آنان، مشکلی بر مشکل‌های موجود می‌افزاید. این در حالی است که با ارائه آموزش‌های لازم، می‌توان اقتصادهای کوچک خانگی و کارگاهی را توسعه بخشید. این رویه‌ای است که هم‌اینک بیشتر نهادهای خیریه در پیش گرفته‌اند. امید می‌رود با تمرکز بر توسعه توانمندی‌های زنان نیازمند، این نهادها کار نیک خود را پایا تر و ماندگارتر به ثمر برسانند. ●

